ایران اقتصادی
سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۷۰۱۸
یکشنبه ■ ۱۹ اسفند ۱۳۹۷

یارانه پنهان اقتصاد را با چالش مواجه کرد

یادداشت



محمود جام‌ساز
اقتصاددان

پرداخت یارانه و برقراری خریدهای کوپنی برای مصارف معیشتی خانوارها آخرین راه حل‌ها است که برای اقتصاد بیمار دولتی به اجرا درمی‌آید. آن هم به علت تأمین بخشی از نیازهای ضروری جامعه در راستای مهار نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها به وضعیت معیشتی زندگی روزمره آنها. در اخبار آمده که ۶۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان در بودجه وجود دارد که البته معلوم نیست مربوط به کدام بخش است. آنچه مسلم است این ارقام بیشتر مربوط به بخش انرژی است. گفته شده بهای واقعی هر لیتر بنزین حدود ۷ هزار تومان است و اکنون دولت بابت هر لیتر بنزین ۶ هزار تومان یارانه پرداخت می‌کند. این عدد با توجه به مصرف روزانه بنزین در کشور که ۱۰۰ هزار لیتر است پیش‌بینی می‌شود حدود ۶۰۰ میلیون تومان در روز یارانه انرژی پرداخت می‌شود.

این یارانه به کسانی تعلق می‌گیرد که صاحب خودرو هستند اما ۵۳ درصد مردم زیر خط فقر هستند بنابراین اگر اتومبیلی در اختیار داشته باشند وسیله معاش آنها است و هزینه زندگی خود را با سختی با آن تأمین می‌کنند. این نشان می‌دهد روزی ۱۰۰ هزار لیتر بنزین که می‌توانست بر اساس برنامه‌هایی که در مورد مابه‌التفاوت پرداخت فروش انرژی وجود داشت به درستی تقسیم بندی شود به اشتباه به همه مردم و عین بی‌عدالتی تقسیم شد و اکنون آن پرداختی (ماهی ۴۵ هزار تومان) با توجه به کاهش ارزش پول ملی هیچ ارزشی ندارد و دردی از افراد بی‌بضاعت درمان نمی‌کند.

قرار بود یارانه‌ها در جهت کاهش مصرف سوخت، استانداردسازی وضعیت جاده‌ها و کیفیت خودروها استفاده شود اما متأسفانه چنین اتفاقی رخ نداد. وقتی ما صحبت از این می‌کنیم که می‌خواهیم سوخت را به قیمت واقعی بفروشیم، باید مابقی موارد را هم طبق استانداردها کنیم یعنی نمی‌توان با خودروهایی که مصرف سوخت بالایی دارند از مردم بخواهیم که مصرفشان را کم کنند و مردم پول بیشتری برای بنزین پرداخت کنند. زمانی می‌توان به سمت واقعی‌سازی قیمت‌ها رفت که مصرف بنزین خودروهای داخلی استاندارد شود. خودروهای ایرانی ۳ برابر خودروهای ژاپنی و کره‌ای مصرف سوخت دارد. وقتی یارانه‌ها به صورت همگانی توزیع شد و افرادی که به آن نیاز نداشتند، گرفتند کشور با چالش‌های جدی روبه‌رو شد. در دولت روحانی هم پرداخت یارانه با علم بر اینکه کشور با مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد شد، ادامه پیدا کرد. تنها سال گذشته دولت از مردم خواست افرادی که نیاز به یارانه ندارند، انصراف دهند که تصور می‌کنم میزان انصرافی‌ها به بیش از ۲ میلیون نفر هم نرسید.

اقتصاددانان زمانی که موضوع یارانه‌ها مطرح شد به دولت هشدار دادند که پرداخت یارانه به همه مردم مشکل ساز خواهد بود و با حرف‌های پوپولیستی نباید مردم را وارد اقتصادی کرد که با بحران روبه‌رو می‌شود. به رغم تمام هشدارها دولت احمدی‌نژاد دست به اقدام غیرکارشناسی زد به گونه‌ای که اکنون مردم باید تاوان آن را با افزایش قیمت‌ها و ترمی که انتظارشان را می‌کشد، بدهند.

اوایل اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها خانواده‌های بی‌بضاعت از پرداخت یارانه رضایت داشتند اما با تورمی که در کشور ایجاد شده و ماه به ماه در حال افزایش است مردم به جای آنکه پولی در جیب شان بیاید، پول از جیب شان می‌رود. اگر یارانه نقدی پرداخت نمی‌شد اکنون مردم با این حجم از گرانی روبه‌رو نمی‌شدند.

دولت‌ها از ذخایر کشور که از میلیون‌ها سال پیش شکل گرفته است، کسب درآمد می‌کنند این در حالی است که مردم حتی رنگ آن پول‌ها را نمی‌بینند. اگر دولت به جای خام فروشی به سمت ایجاد محصول رفته بود، وضعیت کشور به این شکل نبود. در شأن مردم ایران نیست که در صف گوشت و مرغ بایستند و دنبال مرغ ارزانقیمت باشند. با کوپن که در بودجه ۹۸ تصویب شده به سال ۶۰ برمی‌گردیم. آقایان می‌گویند دهه ۶۰ سال‌های خوبی بوده است و در آن زمان رانت و فسادی نبوده است اما من چنین نظری ندارم چرا که در کوپن همواره فساد وجود داشته و برخی‌ها بواسطه آن ثروتمند شدند. قرار است سال آینده کوپن مدرن و الکترونیکی صادر شود. در یک برهه از زمان یعنی همان دهه ۶۰، دولت از نظر اقتصاددانان استفاده می‌کرد و آن زمان اقتصاددانان از دانشگاه‌های بزرگی چون هاروارد مشاوره می‌دادند. اقتصاددانان توانایی آن را داشتند تفکر مدیران دولتی را تغییر و به سمت بهبود ببرند. یعنی آن زمان شاهد اصلاحات فکری و رفتاری بودیم. اما اکنون مدیران دولتی هیچ اصلاح و تغییر تفکری را قبول نمی‌کنند و به زبان ساده، ظرفیت اصلاح پذیری ندارند. اگر مدیران به دیدگاه کارشناسان توجه می‌کردند اکنون اقتصاد کشور با چنین روزهایی مواجه نبود.

همان‌گونه که عنوان کردم ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان در بودجه پیش‌بینی شده است و زمزمه واقعی شدن قیمت بنزین شنیده می‌شود، اما دولت باید به نکته خیلی مهمی توجه کند و آن این است که بنزین کالای استراتژیک است. وقتی گران می‌شود نابسامانی بسیار وسیعی در اقتصاد ایجاد می‌شود چرا که با اکثر حوزه‌ها در ارتباط است. وقتی هزینه حمل و نقل افزایش پیدا می‌کند؛ کالا گران و این رشد باعث تورم می‌شود و در چرخه ناامید کننده است، تمام بخش‌ها با رشد قیمت روبه‌رو می‌شوند و به مرور زمان قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند. اگر قرار است یارانه پنهان حذف شود باید تبعات آن را پذیرفت. اما هیچ زمان در تصمیم گیری‌ها تبعات پیش‌بینی نمی‌شود و اقداماتی صورت می‌گیرد که کوتاه مدت است و در نهایت باعث نارضایتی مردم می‌شود. نمونه این نارضایتی‌ها را در دی ماه سال ۹۶ دیدیم. معترضان به معیشت خود به خیابان‌ها آمدند و شعار دادند، لذا برای آنکه به سمت درستی برویم باید با تصمیم درست و پیش‌بینی تبعات آن برنامه‌ریزی کنیم. با اعتراضاتی که صورت گرفت از فشار اقتصادی به سمت فشار سیاسی رفتیم و این برای دولت خطرناک است. در این میان دولت برای آنکه مردم را راضی نگه دارد سراغ تصمیم‌های درست نرفت و راه رئیس جمهوری سابق را ادامه داد. این در حالی است که دولت قبل از اعتراضات مردمی می‌توانست به سمت بهبود اقتصاد با حذف یارانه پنهان برود.

نکته دیگر که باید بگویم این است که علاوه بر یارانه پنهان ما کسری بودجه پنهان هم داریم. کسری بودجه پنهان اگر بانک مرکزی از صندوق توسعه ملی برداشته باشد بایستی تبدیل به اسکناس شود که این امر پایه پولی را بالا می‌برد و باعث تورم می‌شود و اگر دولت برداشته باشد ضمن ایجاد قرض باعث تورم و افزایش پایه پولی می‌شود.

این موضوع همواره در تمام بودجه‌ها بوده است. در اقتصاد ۹۸ که با شرایط حاد و ویژه روبه‌رو خواهیم شد و دولت در مضیقه درآمدهای ارزی قرار خواهد گرفت رفتن به سمت صندوق توسعه ملی بیشتر خواهد شد لذا دولت باید به گونه‌ای حرکت کند که هزینه‌هایش را بیش از گذشته مدیریت کند. دولت دیگر درآمدهایی ندارد که به آن خوشبین باشد و دست به ولخرجی بزند. لذا معتقدم با درآمدهای خوشبینانه‌ای که در بودجه ۹۸ دیدند با مشکلات جدی تری روبه‌رو می‌شوند. فروش نفت کشور به کمتر از یک میلیون بشکه رسیده و احتمال دارد سال آینده این عدد بسیار کمتر شود. از طرفی این نگرانی وجود دارد که قیمت نفت کاهش بیشتری پیدا کند و حتی به قیمت کمتر از ۵۴ دلار هم برسد. نکته دیگر اینکه ما سال آینده چقدر می‌توانیم نفت بفروشیم و صادر کنیم و آیا پول ما برمی‌گردد؟

متأسفانه باید بگویم که وضعیت فعلی ما به کشور عراق بعد از جنگی که داشتند، بسیار نزدیک شده است. آنها در ازای فروش نفت کالا می‌گرفتند. اما آنها توانایی تولید کالا را نداشتند حال ایران با آنکه تولید کننده دارد به خاطر مواد اولیه با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود و مانند عراق هم نمی‌تواند کالا وارد کند. لذا فشارها بیشتر خواهد شد. در این میان از دولت می‌خواهم که به نظام مالیاتی تکیه کند. پرداخت یارانه و تغییر شیوه آن در شرایط کنونی که ما در دنیا حتی یک دوست معتبر نداریم چرا که همه آنها پول ما را می‌خواهند و حاضربه کمک نیستند بسیار ریسک دارد. این موارد راهکارهایی نیست که اقتصاد کشور را از بحران نجات دهد. مگر اینکه با شرکای تجاری خود کنار بیاییم. اگر بخواهیم روند گذشته را تکرار کنیم کشور روز به روز ضعیف‌تر و نظم اجتماعی با چالش مواجه می‌شود.



عکس: ایرنا

علیرضا توکلی کاشی در گفت‌وگو با «ایران»:

جلوی سقوط بهمن یارانه‌های پنهان را بگیریم

ریحانه یاسینی
خبرنگار

«عدالت یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی بود؛ اما با وجود تلاش‌های فراوان، نسبت به آنچه در نظر داشتیم، در زمینه عدالت عقب مانده‌ایم. ریشه ناکامی در عدالت اقتصادی را می‌توان در نوع سیاست حمایتی‌مان یافت.» این مقدمه بیانیه‌ای بود که هفته گذشته ۴۰ نفر از محققان جوان به‌همراه برخی از چهره‌های پیشکسوت از جمله محمد فاضلی، پویا ناظران، علی سرزعیم، مسعود نیلی و حسین عبده تبریزی آن را امضا و منتشر کردند. به اعتقاد آنها، تا زمانی که یارانه‌های پنهان که بیش از هر گروهی به افراد ثروتمند و پرمصرف می‌رسد حذف نشوند، عدالت اجتماعی محقق نخواهد شد. علیرضا توکلی کاشی، یکی از چهره‌های اصلی تهیه این بیانیه می‌گوید: «اگر نظام یارانه‌ای ما اصلاح نشود، وضعیت رو به وخامتی که در این چند ساله داشته‌ایم، با سرعت بیشتری رو به تخریب بیشتر ادامه پیدا خواهد کرد. باید یک جا جلوی این بهمنی را که مدام بزرگ‌تر می‌شود و به سمت سقوط می‌رود، بگیریم.» توکلی کاشی کارشناس ارشد مدیریت مالی و معاون توسعه کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران است. او در پاسخ به ۴ سؤال کلی و اساسی «ایران» به تشریح زوایای مختلف ماجرای یارانه‌های پنهان پرداخته است.

■ چرا نظام فعلی یارانه‌ای، ضد عدالت اجتماعی است؟

از یک مثال شروع می‌کنم. اعتقاد داریم که قیمت‌های ما در ایران پایین‌تر از قیمت‌های تعادلی است. یعنی یک لیتر بنزین در ایران، ارزان‌تر از قیمت بنزین در کشورهای اطراف است. در ادامه توضیح می‌دهم که چرا با کشورهای اطراف مقایسه می‌کنم. در این شرایط کسی که یک لیتر بنزین استفاده می‌کند، به اندازه مابه‌التفاوت قیمت بنزین اینجا و آن طرف مرز منتفع می‌شود. فرض کنید قیمت بنزین در ایران ۱۰۰۰ تومان و در کشورهای اطراف حدوداً ۵۰۰۰ تومان باشد. پس ما در ازای هر یک لیتر بنزین، ۴ هزار تومان یارانه دریافت می‌کنیم. این یارانه در قیمت انرژی پنهان است. در کالاهای دیگر هم همین نظام برقرار است. کسی که در این شرایط مصرف بیشتری می‌کند، مثلاً هر روز از ماشین استفاده می‌کند، ماشین پرمصرف دارد، همه اعضای خانواده‌اش ماشین دارند، آخر هفته‌ها به سفر می‌رود و در نهایت ۲۰۰ لیتر در ماه بنزین مصرف می‌کند؛ عملاً در ماه به اندازه ۲۰۰ لیتر ضرب در ۴ هزار تومان از یارانه بهره‌مند می‌شود. حالا این را مقایسه کنید با شخصی که به خاطر خوب نبودن وضع مالی، ماشین ندارد یا خیلی کم از ماشین شخصی استفاده می‌کند. طبیعی است که این آدم از یارانه بهره‌مند نیست یا خیلی کم بهره‌مند است. اینجاست که ما می‌گوییم عدالت اجتماعی رعایت نشده است. منظور من از عدالت البته قطعاً مساوات نیست. عدالت یعنی چیزی که متناسب با وضعیت مالی افراد باشد. ما انتظار داریم کسی که وضع مالی بهتری دارد، مثلاً ماشین ۳ هزار سی‌سی دارد و دائم می‌تواند از ماشین استفاده کند، هزینه استفاده‌اش را هم بدهد و حداقل بنزین را به قیمت واقعی دریافت کند. این مسأله‌ای است که در شرایط فعلی اتفاق نمی‌افتد. اینجا در فاز اول بحث عدالت، مجبوریم که آن را با مساوات حل و فصل کنیم. کمااینکه در دولت قبلی هم چه در بحث سهمیه‌بندی و چه یارانه نقدی، در هر دو حالت با مساوات کار را انجام دادند و به همه خودروها به یک میزان سهمیه دادند. تنها تفاوتی که ایجاد کردند این بود که به مشاغل خاص سهم بیشتری دادند و خودروهای بالای ۳ هزار سی سی را حذف کردند. این یعنی ایجاد یک عدالت نسبی که باید قبول کنیم همان هم به‌طور کامل نبود. چرا که وقتی همه ماشین‌ها به یک اندازه سهمیه بگیرند، چندان عادلانه نیست. کمااینکه در سال ۸۹ به همه به یک اندازه یارانه نقدی پرداخت شد، اما اگر قرار بود عدالت رعایت شود باید قشر ضعیف‌تر مبلغ بیشتری بگیرد و قشر قوی، مبلغ کمتر. اما من اعتقاد دارم که آن هم فاز اول طرحی بود که می‌خواست به سمت عدالت جلو برود. بنابراین، فاز اول ایجاد این عدالت به هر حال مساوی پرداخت کردن است و فاز بعدی، شناسایی افراد جامعه و تخصیص منابع به آنها به اندازه سهم هر قشر با رعایت منافع اجتماعی.

نکته دیگر درباره بحث عدالت، آلودگی هوا و ترافیک است. بدون شک علت اصلی آلودگی و ترافیک، استفاده زیاد از خودرو است. البته ممکن است عده‌ای بگویند که این استفاده زیاد، به‌خاطر تعداد بالای آن، بی‌کیفیت بودن خودروها یا این است که حمل‌ونقل عمومی مناسب نداریم. بله، همه این‌ها درست است. اما قطعاً چیز بسیار مهمی هم وجود دارد که آنقدر بدیهی است که فراموش می‌کنیم یا وزن آن را کم در نظر می‌گیریم. آن هم اینکه هزینه استفاده از خودرو اندک است. این هزینه اندک، شاید ۸۰ درصد علت استفاده زیاد از خودروست و بقیه مسائل روی هم ۲۰ درصد نقش داشته باشند. حالا در موضوع عدالت، ما با مسأله‌ای مواجه هستیم که بعضی افراد با استفاده بیشتر از خودرو، بجز آنکه از یارانه پنهان بیشتر منتفع می‌شوند، آلودگی بیشتری هم تولید می‌کنند. آن کسانی که ماشین ندارند، نه تنها از آن یارانه پنهان منتفع نیستند بلکه باید آلودگی هم استشمام کنند. عدالت این را می‌گوید کسی که هزینه‌ای به جامعه تحمیل می‌کند، باید هزینه آن را بدهد. علت اینکه کشورهای اروپایی به بحث محیط زیست خیلی اهمیت می‌دهند و قیمت‌های بنزین و سوخت اصولاً در آنها خیلی بالاتر است، این است که ضمن تشویق مردم به مصرف کمتر، پول اضافه‌تر مالیات صرف توسعه حمل‌ونقل عمومی و توسعه انرژی‌های پاک می‌شود. دولت‌ها از محل این پول افزایش قیمت بنزین، برای مثال برای ایجاد تسهیلات خاص برای دوچرخه‌سواری استفاده می‌کنند.

■ چرا دولت‌ها تاکنون اقدام به اصلاح ساز و کار این نظام یارانه‌ای نکرده‌اند؟

عدم درک صحیح موضوع، یکی از علت‌های اصلی بوده است. استدلال‌هایی شبیه به اینکه در کشور نفت‌خیز هستیم، نفت در کشور ما فراوان است و از بنزین باید حتی مجانی استفاده کنیم؛ از استدلال‌هایی است که عده‌ای بیان می‌کنند و چون پاسخ صحیحی به حرف‌هایشان داده نمی‌شود، برنامه‌ریزی‌ها این‌طور می‌شود که بنزین ارزان ارائه می‌شود. از آن‌طرف ما سال‌های سال بنزین را ارزان داده‌ایم. به همین دلیل شرکت‌های خودروساز هیچ انگیزه‌ای پیدا نمی‌کنند که خودروهایشان را از نظر کیفیت و مصرف سوخت بهتر کنند. چون هزینه استفاده از خودرو ارزان بوده، مردم بیشتر و بیشتر استفاده کرده‌اند و الان گرفتاری آلودگی شدید و ترافیک ایجاد شده است. همه این‌ها اثرات همان استدلال غلط زندگی در کشور نفت‌خیز و عرضه بنزین ارزان است. علت اصلی این است که وضعیت فعلی قطعاً ذینفعانی دارد. بخشی از آن کسانی است که دو سه تا ماشین دارند. ذینفعان دیگری هم هستند که قیمت‌های ارزان فعلی به نفع‌شان است. مثل صنایعی مانند کارخانه‌های سیمان که بهره‌وری پایین دارند اما سودآور بودن کارخانه‌هایشان به خاطر قیمت‌های پایین سوخت است. چنین مجموعه‌ای که از حامل‌های انرژی مختلف با قیمت‌های پایین استفاده می‌کند، هیچ انگیزه‌ای برای حمایت از اصلاح یارانه‌ها ندارد و علاقه‌مند است که وضعیت به همین شکل باقی بماند. متأسفانه این ذینفعان خودشان را به دولت نزدیک کرده‌اند و با استدلال‌هایی مثل اینکه در کشور نفت زیاد داریم و برای حمایت از صنعت باید قیمت‌های یارانه ای داده شود دولت را قانع کرده‌اند که این سیاست‌ها ادامه پیدا کند. هرجا هم که دولت خواسته است حرکت اصلاحی انجام دهد، بلافاصله برای دولت نگرانی ایجاد کرده‌اند که کارگرها را تعدیل می‌کنیم و ناآرامی‌های اجتماعی اتفاق خواهد افتاد. البته این مسائل راه حل دارد و ما در بیانیه‌ای که نوشته‌ایم، به همین موضوع هم پرداخته‌ایم که برای توجه به صنایع، حتماً باید اصلاحات را تدریجی انجام داد چرا که هم مردم، هم صنایع و همه فعالان اقتصادی با توجه به مشکلات یک سال اخیر، همه در مضیقه هستند و باید فرصت دهیم که با روند تدریجی و قدم به قدم، این فضا را اصلاح کنیم. این اصلاح شاید ۱۰۰ قدم هم نیاز داشته باشد و ۵ سال هم طول بکشد اما باید امروز یک قدم از آن را برداریم.

■ درصورتی که این یارانه‌ها حذف نشود، چه پیش‌بینی از وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در آینده نزدیک دارید؟

وضعیت رو به وخامتی که در این چند ساله با مصرف بیشتر بنزین، آلودگی و ترافیک بیشتر و عدم بهره‌مندی صنایع داشته‌ایم، با سرعت بیشتر رو به تخریب بیشتر ادامه پیدا خواهد کرد. پس طبیعتاً باید بالاخره یک‌جا جلوی این بهمنی را که مدام بزرگ‌تر می‌شود و به سمت سقوط می‌رود، بگیریم. تقریباً ما تمام شاخص‌های واقعی اقتصادی‌مان از جمله رشد اقتصادی، تورم و رفاه اجتماعی وضعیت خوبی ندارند و روز به روز بیشتر می‌شوند. ما اعتقاد نداریم که اصلاح نرخ حامل‌های انرژی و وضعیت یارانه‌های پنهان همه مشکلات اقتصادی کشور را حل می‌کند، ولی اعتقاد داریم که بخش بزرگی از مشکلات را می‌تواند حل کند.

■ فکر نمی‌کنید که حذف این یارانه‌ها باعث افزایش نارضایتی اجتماعی می‌شود؟ چرا که در ظاهر قیمت حامل‌های انرژی افزایش می‌یابد و به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی این مسأله بازتاب بدی در جامعه داشته باشد.

این سؤال بسیار مهم است و عده‌ای از ذینفعان با دستاویز قرار دادن همین موضوع نارضایتی اجتماعی دولت را از اصلاح قیمت‌ها منصرف می‌کنند. اول یک چیز را باید روشن کنیم، اعتقاد داریم که قیمت‌های بعضی کالاها در ایران پایین‌تر از قیمت‌های جهانی است و البته همین‌طور بعضی کالاها گران‌تر از کالاهای جهانی هستند. مثل خودرو که اعتقاد داریم قیمت‌های آن در ایران با توجه به کیفیت عرضه، از قیمت‌های جهانی بالاتر است. همچنین اعتقاد داریم که قیمت‌های نادرست سیگنال‌های نادرست را به بدنه جامعه انتقال می‌دهد. پس باید جلوی قیمت‌های نادرست را بگیریم. بر این مبنا خیلی از کالاها و خدمات دولتی مثل آب و برق و بنزین و... قیمت‌های نادرست پایین داریم. طبیعتاً برای اصلاح این قیمت‌ها آنها باید افزایش یابند و طبیعتاً با این افزایش قیمت، شاخص‌های تورم رو به رشد می‌روند. البته این توضیح را بدهم که شاخص‌های تورم چون رشد قیمت را اندازه‌گیری می‌کنند، تا زمانی که رشد قیمت داریم افزایش پیدا می‌کنند. از زمانی که قیمت‌ها به ثبات برسند و در سطحی ثابت شوند، شاخص‌های تورم شروع به کاهش می‌کنند، اما به هر حال، افزایش تورم در حقیقت موضوع بسیار مهمی است که باعث نارضایتی مردم می‌شود. نکته دیگر این است که همین الان به خاطر افزایش نرخ ارز و به‌دنبال آن افزایش تمام کالاها و خدمات بخش خصوصی، قیمت‌ها بالا رفته‌اند. یعنی الان در شرایطی صحبت می‌کنیم که در کشور تورم بالا اتفاق افتاده و اتفاقاً این تورم روند رو به رشد آن تا اواسط سال آینده هم ادامه خواهد داشت.

یعنی از ارقام ۳۰ تا ۴۰ درصد فعلی، افزایش تورم را تا نیمه سال ۹۸ با ارقامی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد شاهد خواهیم بود. این موضوع به مردم فشار می‌آورد و اصلاح قیمت‌ها هم قطعاً فشار مضاعفی وارد خواهد کرد. اما پیشنهاد من و بسیاری از دوستانم که روی این موضوع کار کرده‌ایم، این است که قسمتی از این فشار ناشی از افزایش قیمت‌ها را جبران کنیم. درواقع آنچه مامی‌گوییم، چیزی شبیه به طرح هدفمندسازی یارانه‌هاست که هنوز هم اعتقاد داریم برای اقتصاد ما بسیار خوب است. اما متأسفانه به خاطر اجرای بد در تجربه قبلی در سال ۸۹، بدبینی نسبت به قانون هدفمندسازی یارانه‌ها اتفاق افتاد. من برای توضیح تفاوت‌های طرح، مجبورم که اشتباهات طرح هدفمندسازی یارانه‌ها را با وجود قبول داشتن اصل طرح برشمارم. همین الان در دانشگاه‌های خوب دنیا یکی از روش‌هایی که برای ایجاد عدالت اجرا می‌شود، طرح UVI یا پرداخت مبلغ نقدی یکسان به همه آحاد جامعه است. اتفاقاً ایران هم به‌عنوان یکی از تجربه‌های خوب در سال ۸۹ تا ۹۰ مثال زده می‌شود. اما به‌دلیل اجرای بد، این طرح بعد از این دوره موفق نبود. اجرای آن سه اشکال اساسی داشت. اشکال اول اینکه مقدار یارانه نقدی تصویب شده عدد ثابتی بود. ما اعتقاد داریم این عدد نباید ثابت باشد. باید شناور باشد و متناسب با بقیه شاخص‌های اقتصادی و فرمول‌های کاملاً مشخص، این عدد باید شناور باشد. یعنی یک ماه ۴۰ هزار تومان، ماه بعد ۶۰ هزار تومان و ماه بعد از آن حتی ۳۰ هزار تومان. یعنی شناور بودن لزوماً به معنای افزایش تدریجی نیست. نکته دوم خیلی مهم که در همان مقطع سال ۸۹ هم خیلی‌ها به آن اشاره کردند، این بود که در زمان شروع، رقم نقدی یارانه‌ها بالا بود. عددی که کارشناسان محاسبه کردند، در آن زمان بین ۱۷ تا ۲۵ هزار تومان به ازای هر نفر بود. یعنی مبلغ پرداخت شده، دوبرابر مبلغ کارشناسی آن زمان بود. البته در حال حاضر هم اگر این عدد کارشناسی شود، چیزی بالای ۱۵۰ هزار تومان خواهد بود. یعنی اگر عدد یارانه درست و شناور بود، الان احتمالاً عدد ۱۷ هزار تومان به ۱۵۰ هزار تومان خواهد رسید. اشکال سوم در سال ۸۹ که دولت‌های بعدی را هم دچار مشکل جدی کرد، این بود که یارانه نقدی سوار بر بودجه بود. یعنی اینکه منابع تأمین آن از محل بودجه عمومی کشور و درآمدهای دولت از مالیات، فروش نفت و... باید تأمین می‌شد. حقیقت این است که از سال ۹۱ با شروع تحریم‌های ظالمانه و کاهش تدریجی حجم فروش نفت و قیمت نفت، دولت دیگر نتوانست تعهدات قبلی‌اش را به سادگی انجام دهد و چون نمی‌توانست یارانه نقدی را حذف کند، عملاً از دیگر قسمت‌های اقتصاد کم گذاشت. ما در چند سال اخیر می‌بینیم که دولت بسیاری از تعهداتش را در مورد طرح‌های عمرانی، پرداخت بدهی پیمانکاران و برخی طرح‌های توسعه‌ای، کاملاً متوقف کرده است. پس خیلی ساده و صریح، باید گفت که هدفمندسازی یارانه‌ها به نفع اقتصاد ما بود و هست. در سال ۸۹ اشتباه اجرا شد. اعتقاد ما این است که یارانه‌های نقدی باید از محل درآمدهای مشخص خود طرح باشد که اگر این کار را بکنیم و این اتصال را هم برای شناور بودن، متعادل بودن و مستقل بودن از بودجه پیاده کنیم، طرح بدرستی پیش خواهد رفت. در مورد افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، اعتقاد داریم که اگر ما قیمت‌ها را بتدریج افزایش دهیم و متناسب با آن یارانه نقدی پرداخت کنیم، اتفاقاً رضایت اجتماعی ایجاد کرده‌ایم. به‌دلیل ناعدالتی که در حال حاضر وجود دارد و عده‌ای از منافع یارانه پنهان بیش از اندازه استفاده می‌کنند، باواقعی کردن قیمت‌ها می‌توانیم یارانه ثابتی را به همه بدهیم. حالا افراد عدد ثابتی دریافت می‌کنند، ممکن است که یکی عین آن را برای داشتن همان مصرف قبلی مطابق با متوسط مصرف جامعه صرف کند که برای آن هیچ افزایش هزینه‌ای اتفاق نمی‌افتد؛ برای مثال هزینه‌هایش ۲۰۰ هزار تومان افزایش پیدا می‌کند و ۲۰۰ هزار تومان هم یارانه دریافت می‌کند. آن کسانی که مصرف کمتری داشتند، قاعدتاً هزینه‌هایشان ۵۰ هزار تومان افزایش پیدا می‌کند ولی از آن طرف یارانه بیشتری می‌گیرند. به این ترتیب بیشتر به نفع قشر پایین خواهد بود.

طبیعتاً در این شرایط عده‌ای برایشان مشکل ایجاد می‌شود، آن هم کسانی هستند که مصرف بالایی داشتند. الان اگر بخواهند که این مصرف بالا را حذف کنند، باید به آنها یک میلیون تومان یارانه پرداخت شود، اما در عمل ۲۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. اما با توجه به اینکه این افراد تعداد کمی نسبت به بقیه قشرهای جامعه هستند و ثروت زیادی هم دارند، مشکلی در وضعیت زندگی‌شان ایجاد نمی‌شود. در این شرایط دولت باید حواسش به این باشد که این افراد با تریبون‌های زیادی که در اختیار دارند و می‌توانند صدای بلندی داشته باشند، سیاستگذار را از هدفش دور نکنند. دولت باید حواسش باشد که این قشر به خاطر داشتن مصرف بالا، متضرر شده و حالا اعتراض دارد.

ایده‌ای رادیکال برای گفت‌وگویی اعتدالی

ادامه از صفحه ۱۱

آن‌ها سؤالات مهمی از این قبیل را پیش رو دارند: آیا واقعاً یارانه پنهان ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار میلیارد تومان است؟ آیا حذف این میزان یارانه تورم‌زا نیست؟ آیا این ایده به خلق نقدینگی می‌انجامد؟ اگر این بیانیه به‌دنبال عدالت است، سیاست‌های آزادسازی قیمت ضدعدالت و نقض غرض نیستند؟ مگر هدفمندسازی یارانه‌ها شکست نخورده است؟ چرا به عوض این ایده به مبارزه با فساد یا تسهیل فضای کسب‌وکار نمی‌اندیشید؟ مگر درآمد مردم به دلار است که یارانه پنهان را بر اساس قیمت‌های دلاری محاسبه می‌کنید؟ صندوق انرژی چیست؟ و آیا در کشوری که فساد در آن زیاد است، می‌شود ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان را مستقل از بودجه و دست‌اندازی دولت در صندوق انرژی جای داد؟ و آیا جامعه توان پذیرش افزایش قیمت‌ها را آن هم در شرایط تحریم و تنش در سیاست خارجی و مناقشات داخلی دارد؟

هیچ کدام از امضاکنندگان بیانیه این تصور خام را نداشته‌اند که بدون پاسخ دادن به سؤالاتی از این دست و البته مواردی پیچیده‌تر، می‌توان دست به کار اجرای چنین سیاستی شد. این گروه به ماهیت پیچیده سیاستگذاری - از ایده‌ها تا اجرا - آگاه هستند. آنها همچنین می‌دانند که برای شکل دادن به عزم سیاسی لازم برای اجرایی کردن اصلاحات ساختاری اقتصادی، به هزاران صفحه گزارش‌های پشتیبان نیاز است و پس از آن نیز برای غلبه کردن بر مقاومت‌ها و پیمودن مسیری که عاقبت آن بهبودهای ساختاری باشد، ده‌ها یا صدها هزار ساعت کار کارشناسی، مذاکره، پژوهش و فعالیت سیاسی و اجتماعی ضروری است. یک صفحه پیشنهاد، دوای دردهای اقتصاد ایران نیست و نویسندگان بیانیه نیز سال‌ها عمر خود را در برترین دانشگاه‌های دنیا یا عرصه‌های سیاستگذاری صرف نکرده‌اند تا به ساده‌اندیشی برسند. بیانیه اقتصادی چهل محقق جوان در چهل سالگی انقلاب، بر باور عمیق به ضرورت گفت‌وگو درباره اقتصاد ایران بنا شده است. این بیانیه دعوت به گفت‌وگوست. دعوت از سیاستگذارانی که گمان می‌کنند هم‌چون گذشته می‌توانند با نادیده گرفتن اصلی‌ترین مسائل اقتصاد ایران را اداره کنند. دعوت از اقشار مختلف جامعه برای بازاندیشی در شرایطی که در آن قرار گرفته‌ایم. دعوت به خیره نگریستن در چشم‌های غول بزرگی به اندازه ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان که از فرط بزرگی، همگان ترجیح داده‌اند سخنی درباره آن نگویند.

هر سیاست اصلاحی - هر قدر هم که ساختاری و بزرگ باشد - در فرآیند گفت‌وگو زاده می‌شود. هر سیاستی حاصل توازن نیروهای اجتماعی و سیاسی نیز هست. هر سیاستی محصول تلاش برای تصریح یا پنهان کردن برخی پیش‌فرض‌ها، صراحت بخشیدن به برخی نگرش‌ها و منازعه شناخت‌هاست. این بیانیه سیاستگذاران و مردم ایران را به بازبینی در گذشته و گفت‌وگو برای آینده فرامی‌خواند. بیانیه مذکور، مواجهه فعالانه با واقعیت‌های اقتصاد ایران، گریز از انفعال و دعوت به هم‌اندیشی است. جای تأسف است که چند روز پس از انتشار این بیانیه، سیاستگذاران هنوز واکنشی به آن نشان نداده‌اند و واکنش‌ها صرفاً از جانب متخصصان اقتصادی بوده است. سیاستگذار نباید به سادگی از کنار این بیانیه بگذرد. این فرصتی برای طرح گفته‌هایی است که در شرایط عادی، زمینه‌ای برای بیان آنها وجود ندارد. این بیانیه اگرچه حاوی ایده‌ای رادیکال است، اما بیشتر از آن، همگان را به گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر و اعتدالی درباره برخی از مهم‌ترین واقعیت‌های اقتصاد ایران فرامی‌خواند.